

# ضابطین دادگستری

استاد : جناب آقای صداقت

تهیه کننده : مهدی زنده بودی - دانشجوی ترم ۱ حقوق گرایش ارشاد در امور کیفری دانشگاه علمی  
کاربردی بوشهر



✳️ علائم اختصاری

علائم اختصاری

- آ. د. ک. ۱۲۹۰: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی
- آ. د. ک. ۱۳۷۸: قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ( در امور کیفری ) مصوب ۱۳۷۸
- آ. د. م. ۱۳۱۸: قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و اصلاحات بعدی
- آ. د. م. ۱۳۷۹: قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ( در امور مدنی ) مصوب ۱۳۷۹
- ا. ح. ق.: اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه
- ق. ۱.: قانون اساسی
- ق. ت.: قانون تجارت
- ق. ت. د. ع. ۱۳۵۸: قانون تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۵۸
- ق. ت. د. ع. ۱. ۱۳۷۳: قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی
- ق. ۱. ح.: قانون امور حسبی
- ق. م. مدنی: قانون مدنی
- ق. م. ۱.: قانون مجازات اسلامی
- ق. م. ع.: قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحات بعدی
- ق. م. م. م.: قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶

ماده ۱ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - آئین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرائم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رای و تجدیدنظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است.

قوانین ب دو دسته ماحوی و شکلی تقسیم می شوند :

الف : قوانین شکلی : قوانینی که به ساختار و سازمان قضایی و نحوه رسیدگی به یک پرونده قضایی می پردازد .

ب: قوانین ماحوی : این قوانین جرم ، مسئولیت کیفری فرد و مجازات را تعریف می کنند .

مثال :

ماده ۱۴۰ ق.م.ا - ۱۳۹۲ - مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.

پس به عبارت دیگر قانون ماهوی وارد ماهیت جرم می شود .

قوانین شکلی در مورد سازمان و ساختار بوده و تقریباً برای تمام جرائم یکسان است . ( شکلی )

در حالی که میزان مجازات در جرائم مختلف یکی نیست ( مثلاً سرقت و قتل )

موضوع اصلی : از حیث جنبه عمومی جرم موضوع خصوصی : از حیث جنبه خصوصی جرم	}	آئین دادرسی کیفری
---	---	-------------------

برای مثال :

سرقت جنبه عمومی داشته و این جرم ذهن جامعه را مخدوش می نماید و همان سرقت در جنبه خصوصی خود موجب موجب ضرر و زیانی است که به فرد شاکی وارد کرده است .

جرائم قابل گذشت جرائم غیر قابل گذشت	}	جرائم در حقوق
--	---	---------------

جرائم قابل گذشت : این نوع جرائم با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت شاکی خصوصی در هر مرحله ای در رسیدگی و اجرا متوقف می شوند .

ماده ۱۰۴ ق.م.ا - ۱۳۹۲ - علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدقذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در قسمت اخیر ماده (۵۹۶) و مواد (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب میشوند.

جرائم غیر قابل گذشت : جرائمی هستند که در آن جنبه عمومی آن بر جنبه خصوصی آن ارجحیت دارد .

جرائم غیر قابل گذشت شامل کلیه جرائم غیر از ماده ۱۰۴ را شامل می شود .

اهداف آئین دادرسی کیفری :

- ۱- تامین منافع متهم
  - ۲- برقراری نظم و امنیت و حفظ صیانت جامعه
  - ۳- حفظ آزادی های فردی
- مراحل رسیدگی به پرونده کیفری :
- ۱- کشف جرم ( بر عهده ضابطین قضایی می باشد )
  - ۲- مرحله تعقیب جرم ( از وظایف دادستان می باشد )
  - ۳- مرحله تحقیق ( برعهده بازپرس و یا دادپارها می باشد ) در دادسراها
  - ۴- مرحله رسیدگی و صدور حکم ( از وظایف محکمه و دادگاه می باشد )
  - ۵- اجرای حکم ( در اجرای احکام )

ضابطین قضایی

سه مرحله تحقیق ، تعقیب و اجرا در دادسرا می باشد .  
مراحل رسیدگی و صدور حکم از وظایف دادگاه می باشد .  
جهت شروع به تحقیق از راههای :

- ۱- اعلام جرم ، اعلام کننده با شاکی متفاوت است
- ۲- شکایت شاکی خصوصی
- ۳- گزارش ضابطین
- ۴- اظهار و اقرار متهم
- ۵- تکلیف خود دادستان
- ۶- اعلام باز پرس در جرائم مشهود .

فلسفه تشکیل پلیس :

در ابتدای امر احساس نیاز و ضرورت می باشد . هدف مشترک تشکیل تمامی نهادها و وزارت خانه ها احساس ضرورت و نیاز می باشد .

اهداف اختصاصی :

۱ - اقتضای نظم عمومی و امنیت ۲- اجرای قوانین و اعمال قانون ۳- نیاز عمومی جامعه به منظور ارائه خدمات به شهر وندان مثل پیداشدن گم شدگان و خدمات گذرنامه و رانندگی ۴- دستگیری مجرم

معنای لغوی ضابط :

ضابط در لغت به معنای فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، مرد باهوش ، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طریق سلطان بس باشد. [۱]

تعریف ضابطین :

ضابطین دادگستری بازویی اجرایی دادسراها و دادگاهها در انجام وظایفشان هستند.

قانون آئین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را این طور تعریف کرده است که: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می نمایند.» [۲]

ماده ۱۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ تعریف از ضابطین می نماید .

ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. - ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند و عبارتند از :

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران .

روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان .

مامورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند .

سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند

- مقامات و مامورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند .

تبصره - گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند .

ماده ۱۹ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۹۰ قدیم قضات ، دادستان و بازپرس را جزء ضابطین قضایی به حساب می آورد .

بحث پیشگیری از وقوع جرم از وظایف ضابطین می باشد که در اصل ۵۵۶ وظایف نیروی انتظامی می باشد . اما در ماده ۱۵ چیزی از پیشگیری از وقوع جرم گفته نشده است ( در وظایف نیروی انتظامی گفته شده است ).

مطابق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، اهم وظایفی که نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه دارد عبارتند از:

مبارزه با مواد مخدر .

مبارزه با قاچاق .

مبارزه با منکرات و فساد .

پیشگیری از وقوع جرائم .

کشف جرائم .

بازرسی و تحقیق .

حفظ آثار و دلایل جرم .

دستگیری متهمان و بزهکاران و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان .

اجرا و ابلاغ احکام قضائی .

ویژگی های ضابطین :

- ۱- ضابطین را قانون مشخص می نماید . پس کسی ضابط مشخص نمی شود مگر اینکه قانون وی را مشخص نماید .
- ۲- ضابطین و ضایف خود را باید در چهار چوب قوانین و مقررات انجام دهند .
- ۳- ضابطین و ضایف خود را تحت تعلیم و نظارت مقامات قضایی انجام می دهند .

جایگاه ضابطین در قوانین موضوعه ( قانون مادر هر کشور قانون اساسی است ) :

ضابطین در مقدمه قانون اساسی در ارتش آمده است :

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود. (و اعدوالمهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم و آخرین من دونهم).

اصل ۱۴۴ قانون اساسی : ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

منظور قانون گذار از ارتش شامل تمامی نیروهای مسلح و کلمه مکتبی منظور ضابطین می باشد .

در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از وظایف رهبری عزل و نصب نیروهای نظامی عنوان شده است . پس ضابطین بدلیل اینکه جزء نیروهای مسلح می باشند عزل و نصب رئیسشان نیز با رهبری می باشد .

#### جهت مطالعه

#### ریاست بر ضابطین

در ماده ۱۹ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ دادستان ریاست ضابطین دادگستری را بر عهده داشت تا اینکه در ماده ۱۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸، که در دوره فقدان دادسرا به تصویب رسید اعلام نمود که: «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با رئیس حوزه قضائی است.» با تصویب اصلاحیه ق.ت.د.ع.ا در سال ۸۱ و تأسیس دوباره دادسراها در کشور، بند ب ماده ۳ این قانون اعلام کرد که: «ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است.»

در عین حال ماده ۱۵ آ.د.ک ضابطین دادگستری را هم تحت نظارت دادستان ، و هم تحت نظارت مقام قضائی (اهم از قاضی، دادستان، بازپرس، دادیار و...) دانسته است برای جمع بین این دو حکم باید گفت به نظر می‌رسد منظور از نظارت دادستان در بند (ب) ماده ۳، نظارت عام و کلی بر انجام وظایف آنها در پیشگیری از وقوع جرم از طریق گشت زنی، کشف و اعلام به موقع جرائم به دادستان و نحوه اقدام آنها در برخورد با جرائم مشهود، قطع نظر از پرونده‌ای خاص است، اما مقصود از نظارت مقام قضائی در ماده ۱۵، نظارت بر اجرای دستورات مقام قضائی در تحقیق و بازجویی در پرونده‌ای خاص که توسط مسئول همان پرونده، به ضابطین ارجاع و نظارت آنان کسب شده است.

اصل ۱۷۲ قانون اساسی : برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

قانون اساسی کلیات را بیان می نماید و به جزئیات نمی پردازد .

ماده ۱۹ ق.آ.د.م ۱۲۹۰ ضابطین را تعریف نموده بود .

قبل از آن نیز در قانون ارتش مصوب ۱۳۱۸ یک باب با عنوان ضابطین قضایی و نظامی آورده شده بود .



در تبصره ۲ ماده ۱ مصوب سال ۱۳۶۴ نیز به جرائم ضابطین قضایی اشاره شده بود .

ماده ۱۵۷ ق.م.ا - ۱۳۹۲ - مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است.

\*- آراء قانون گذاران و حقوق دانان وحدت رویه قضایی در بحث ضابطین از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

\*- تامین امنیت، برقراری عدالت و نظم در جامعه و جلوگیری از جرح و مرج نیاز به نیرویی دارد که به عنوان نیروی مجری و ضمانت در اجرا محسوب گردد .

قانون گذار در تقسیم بندی ضابطین را به دو گروه ضابطین قضایی و غیر قضایی تقسیم کرده است . ( ماده ۱۹ مصوب ۱۲۹۰ )  
ضابطین قضایی : شامل ضابطین عام و خاص می باشند .

ضابطین غیر قضایی دارای پایه قضایی نیستند و نیروهای اداری و استخدامی سایر وزارتخانه ها و سازمانها می باشد و در چهارچوب قوانین انجام وظیفه می کنند .

در قانون ماده ۱۵ ق.آ.د.ک مصوب سال ۱۳۸۷ دیگر عنوان ضابط قضایی نداریم .

### اختیارات ضابطین

ضابطین دادگستری در انجام وظایف خود دارای اختیاراتی هستند که می‌توانند حتی منجر به سلب آزادی شهروندان گردد به همین دلیل ضروری است که افرادی که ضابط محسوب می‌شوند و این اختیارات را دارند به موجب قانون مشخص شوند. با نگاهی به موقعیت و مسئولیت اشخاصی که به عنوان ضابط معرفی شده‌اند، می‌توان گفت که ضابطین دادگستری بر دو دسته‌اند یک دسته ضابط عام هستند و دسته دیگر ضابط خاص محسوب می‌شوند.

### ضابطین عام:

ضابطینی هستند که وظیفه رسیدگی به کلیه جرائم و امور و وظایف ضابطین را دارند وگر آنچه که قانون گذار منع منع کرده است . به عبارت دیگر ضابطین عام در همه زمانها و مکانها و در همه جرائم ضابط محسوب می‌شوند مگر آنچه را که قانون منع کرده است .

\*- تنها ضابط عام طبق قانون نیروی انتظامی است .

کلیه پرسنل نیروی انتظامی به عنوان ضابط محسوب نمی‌گردند .

### نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

مطابق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، اهم وظایفی که نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه دارد عبارتند از:

- ۱- مبارزه با مواد مخدر.
- ۲- مبارزه با قاچاق.
- ۳- مبارزه با منکرات و فساد.
- ۴- پیشگیری از وقوع جرائم.
- ۵- کشف جرائم.
- ۶- بازرسی و تحقیق.
- ۷- حفظ آثار و دلایل جرم.
- ۸- دستگیری متهمان و بزهکاران و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان.
- ۹- اجرا و ابلاغ احکام قضائی.

پس یروهایی که در این ۹ بند در حال انجام وظیفه هستند به عنوان ضابط قضایی محسوب می گردند .

\*- ماده ۱۶ ق.آ.د.ک به موضوع عدم انجام امور ضابطین می پردازد .

ماده ۱۶ ق.آ.د.ک - ۱۳۹۲- ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند در صورت تخلف به سه ماه تا یکسال انفعال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.

### ضابطین خاص

افرادی هستند که صلاحیت اقدام برای هیچ جرمی را ندارند مگر آنچه که قانون به آنها اجازه داده است .

به عبارت دیگر ضابطین خاص در همه جا و همه جرائم ضابط محسوب نمی شوند بجز در مواردی که قانون به آنها اجازه داده است .

ضابطین خاص ضابطینی هستند که صلاحیت دخالت آنها محدود به جرائم خاص یا شرائطی معین است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط ، حق مداخله و اقدام ندارند. حال این سوال به ذهن می آید که آیا ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطین عام در این حوزه را نفی یا محدود می کند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که ضابطین عام در همه حال ضابط دادگستری محسوب می شوند و ضابطین خاص دخالت و اقدام ضابطین عام را محدود یا نفی نمی کنند.

ماده ۱۵ از بند ۲ به بعد در امور ضابطین خاص می باشد .

## انواع ضابطین خاص

در ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ ضابطین خاص بر شمرده نشده بودند و برای شناخت آنها باید به قوانین خاص مراجعه می‌شد. در ق.آ.د.ک ۱۳۷۸، ماده ۱۵ سه دسته از ضابطین خاص را در بندهای ۲، ۳ و ۴ خود نام برده و در بند ۵ به قوانین خاصی که برخی مقامات و مأموران را در حدود وظایف خود را ضابط دادگستری شناخته، اشاره کرده است که انواع ضابطین خاص عبارت است از:

۱. رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.

رؤسا و معاونین زندان نسبت به اموری که در زندان اتفاق می‌افتند ضابط محسوب می‌گردند و در خارج از زندان جرائم وی بر عهده نیروی انتظامی است.

۲. مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران.

البته تذکر این نکته مفید به نظر می‌رسد که بر طبق ماده ۱ قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ و نظریه شماره ۱۳۸۰/۸/۲۱-۷/۷۹۷۹، اداره حقوقی قوه قضائیه به نیروی مقاومت بسیج تنها در صورتی اجازه داده است که به عنوان ضابطین قوه قضائیه عمل نماید که اولاً جرم از جرائم مشهود باشد و ضابطین دیگر دادگستری حضور نداشته باشند ثانیاً ضابطین دیگر به موقع اقدام ننمایند و یا به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش ضابطین دیگر به نیروی مقاومت بسیج نیاز داشته باشند و همچنین تبصره یک ماده یک آئین نامه اجرائی قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۲/۳/۳۰ فرمانده کل قوا، شرایطی برای ضابطان مزبور پیشبینی کرده است:

الف- گذراندن دوره آموزش لازم به تشخیص رده ذیربط بسیج،

ب- دارا بودن سلامت جسمی در حد اجرای مأموریت‌های محوله و دارا بودن سلامت روانی،

ج- مجوز مخصوص

۳. نیروهای مسلح با تصویب شورای عالی امنیت ملی.

عبارت نیروهای مسلح در این بند به موجب ماده ۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ شامل ارتش، سپاه پاسداران، بسیج مستضعفان، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می‌باشند.

۴. مقامات مأمورین به موجب قوانین خاص در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که ذیلاً به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

۴-۱. مأموران وصول عایدات و کشف، قاچاق [ماده ۱۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲].

۴-۱. فرمانده هواپیما نسبت به جرائم ارتكابی درون هواپیما [م ۳۲ قانون هواپیمائی کشوری مصوب ۱۳۲۸].

۴-۳. مأموران جنگلبانی [ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶]

۴-۴. مأموران شکاربانی: [ماده ۱۹ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶].

۴-۵. مأموران سازمان بنادر و کشتیرانی [ ماده ۱۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴].

۴-۶. مأموران شهرداری [ ماده ۱۹ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹].

۴-۷. مأموران سازمان آب و برق [ تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون سازمان آب و برق مصوب ۱۳۴۶].

۴-۸. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی [ تبصره ماده ۵ اساسنامه سپاه پاسداران و ماده ۱۱ لایحه قانون تشکیل دادگاه‌های فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۴/۱۳].

۴-۹. بازرسان مخصوص وزارت بهداشت [ ماده ۲۰ قانون اصلاح منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸].

۴-۱۰. بخشداران که در گذشته از آنها به عنوان « نایب الحکومه » تعبیر می‌شده است فقط در صورت اعطای سمت ضابطی از سوی قوه قضائیه واجد اختیارات و تکالیف ضابطان دادگستری هستند.

۴-۱۱. مأموران گارد صنعت نفت [ ماده ۷ قانون ایمنی راهها مصوب ۱۳۵۱].

۴-۱۲. پلیس انتظامی راه آهن [ ماده ۷ قانون ایمنی راه‌های مصوب ۱۳۴۹].

۴-۱۳. مأموران سازمان حفاظت محیط زیست [ ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۱۸].

۴-۱۴. مأموران وزارت پست و تلفن و تلگراف [ ماده ۱۵ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران مصوب ۱۳۵۰].

حال این سوال به ذهن می‌رسد که آیا مأموران وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب می‌شوند یا خیر؟ با توجه به قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲ معلوم می‌شود که هیچ یک از نیروهای این وزارتخانه در انجام مأموریت‌های خود، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند و در نتیجه در جرائم مشهود فاقد اختیارات ضابطین دادگستری هستند و در جرائم غیر مشهود نیز مراجع قضائی نمی‌توانند انجام بازجویی و دیگر تحقیقات لازم را به آنها محول نمایند. با این همه باید افزود که قانونگذار در بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مأموران این وزارتخانه را به طور محدود و در امور خاص، یعنی در انجام تحقیقات لازم در کشف « مفاسد کلان، اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی » ضابط تلقی کرده است اما با این حال، بخشنامه شماره ۳/۱۳۱/۷۳ مورخ ۷۳/۱/۲۳ رئیس قوه قضائیه اجازه پیگیری فسادهای مالی در ادارات دولتی را به این وزارتخانه داده است.

### ضابطین نظامی

در مورد جرائم ارتكابی از سوی پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران [ کادر و وظیفه ] مأموران زیر به عنوان ضابط نظامی عهده دار جمع آوری دلایل ارتكاب جرم، جلوگیری از فرار متهم، بازجوییها و سایر اقدامات قانونی هستند:

مأموران دژبان ارتش و سپاه؛

مأموران حفاظت و اطلاعات یگان‌ها؛

برخی از مأموران وزارت اطلاعات؛ قانونگذار در بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مأموران این وزارتخانه را به طور محدود و در امور خاص، یعنی در انجام تحقیقات لازم در کشف «مفاسد کلان، اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی» ضابط تلقی کرده است اما با این حال، بخشنامه شماره ۳/۱۳۱/۷۳ مورخ ۷۳/۱/۲۳ رئیس قوه قضائیه اجازه پیگیری فسادهای مالی در ادارات دولتی را به این وزارتخانه داده است.

پرسنل بازرسی یگان‌ها؛

افسران قضائی یگان‌ها؛

مأموران انتظامی؛

بازپرسان و داد یاران نظامی که همگی تحت نظارت دادستان نظامی انجام وظیفه می‌کنند؛

بند ۴ ماده ۱۵ ق.آ.د.ک سایر نیروهای مسلح را در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروهای انتظامی را به آنان محول کرده باشد در ردیف ضابطان دادگستری محسوب کرده است.

### جرائم ضابطین

جرائم ضابطین منظور جرائم خاص جرائم ضابطی می باشد . که شامل :

۱- سوء استفاده از موقعیت شغلی

ماده ۵۷۶ ق.م.ا - ۱۳۷۵ - چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی و شهرداریها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نمایدبه انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنجسال محکوم خواهدشد .

۲- مداخله در امور مربوط به مراجع قضایی

ماده ۵۷۷ ق.م.ا - ۱۳۷۵ - چنانچه مستخدمین و مامورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آنها و مامورین انتظامی در غیر موارد حکمیت در اموری که در صلاحیت مراجع قضائی است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکی از آنها به اعتراض مقامات صلاحیتدار قضائی رفع مداخله نمایند به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهندشد .

۳- اذیت و آزار متهم به منظور اخذ اعتراف

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران : هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

ماده ۵۷۸ ق.م.ا - ۱۳۷۵ - هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیر قضائی دولتی برای آنکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از ششماه تا سه سال محکوم میگردد و چنانچه کسی

در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت .

۴- ورود غیر مجاز به منزل دیگری

**اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :** حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

ماده ۵۸۰ ق.م.ا - ۱۳۷۵ - هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده ، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجراء خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد .

ماده ۶۹۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ - هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می شوند .

۵- جلب و بازداشت غیر قانونی و بدون مجوز

ماده ۵۸۳ ق.م.ا - ۱۳۷۵ - هر کس از مقامات یا مامورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده ، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقد یا زشش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد .

۶- توقیف بدون مجوز افراد

ماده ۵۸۵ ق.م.ا - ۱۳۷۵ - اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود .

۷- عدم استماع شکایت افرادی که به صورت غیرقانونی جلب شده باشند .

ماده ۵۷۲ ق.م.ا - ۱۳۷۵ - هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مامورین انتظامی نمود و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقدمات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته اند به انفسال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد .

ماده ۵۷۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ - اگر مسوولین و مامورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها از ارائه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضائی یا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقدمات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مضمول ماده قبل خواهند بود مگر اینکه ثابت نمایند که به موجب امر کتبی رسمی از طرف رئیس مستقیم خود مامور به آن بوده اند که در این صورت مجازات مزبور درباره امر مقرر خواهد شد .

ماده ۱۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند در صورت تخلف به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد .

۸-

#### گزارش خلاف واقع

ماده ۷۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ - هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمدا گزارشی برخلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسوول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوءنیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا عمدا جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذیصلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارشها و جرائم را به موقع اعلام نکند به ترتیب زیر محکوم می شود :

- الف - چنانچه اعمال فوق موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی گردد به مجازات محارب .
- ب - در صورتی که موضوع به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی مرتبط باشد به حبس از دو تا پنج سال .
- ج - در سایر موارد به استثنای مواردی که صرفا تخلف انضباطی محسوب می شود به حبس از سه ماه تا یک سال .
- تبصره ۱ - چنانچه اعمال مذکور موجب خسارات مالی گردد مرتکب علاوه بر مجازات فوق به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد .
- تبصره ۲ - هرگاه اعمال مورد اشاره در بندهای (ب) و (ج) این ماده در اثر بی مبالاتی و سهل انگاری باشد در صورتی که موجب جنایت بر نفس یا اعضاء شده باشد مرتکب به نصف حداقل، تا نصف حداکثر مجازاتهای مزبور محکوم خواهد شد و در غیر این صورت طبق آئین نامه انضباطی عمل می شود. پرداخت دیه طبق مقررات قانون دیات می باشد .

#### وظایف ضابطین

وظایف ضابطین را می توان به طور تفکیکی در جرائم مشهود و جرائم غیر مشهود بررسی کرد.

۱. کشف جرم
۲. بازجویی مقدماتی
۳. حفظ آثار و دلایل جرم
۴. جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم
۵. ابلاغ اوراق قضایی - اجرای تصمیمات و احکام قضایی
۶. احضار و جلب متهمین

\*- ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ وظایف ضابطین را به این صورت بیان نموده است - ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند

#### ۱- کشف جرم: از وظایف ضابطین می باشد

هدف از کشف جرم احیاء و اعاده حق به مستحق و برگشت وضعیت به حالت سابق می باشد .

در جرائم مشابه دلایل میتواند با یکدیگر متفاوت باشد .

<p>ارکان ارتکاب جرم</p>	}	<p>قصد : رکن مهم جرم می باشد</p>
<p>انگیزه : رکن اصلی جرم نیست . زیرا هر کس می تواند انگیزه متفاوتی داشته باشد . پس انگیزه هیچ تاثیری در ارتکاب جرم ندارد و انگیزه می تواند در مقدار مجازات تاثیر گذار باشد .</p>		

\*- در جرائم مشهود کشف جرم و دلایل جرم راحتتر است.

گاهی اوقات کشف جرم سخت تر می شود و نیاز است اقدامات شدیدتر از قبیل بازداشت و ... اعمال گردد.

\*\*\* وقتی جرمی کشف میشود اعلام جرم باید داری سه شرط ذیل باشد :

۱ - صریح باشد ۲ - کتبی باشد ۳- اعلام جرم باید دقیق باشد

\*\*\*ویژگی های دستورات مقام قضایی

۱ - صریح باشد ۲- شفاف باشد ۳- کلی گویی نبوده و معین باشد ۴- محدود باشد

\*\*\* بازجویی مقدماتی :

بازجویی عبارت است از هنر و فن طرح یک رشته سوالات قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم به منظور اخذ اطلاعات صحیح درباره حادثه کیفری که هدف آن کشف حقیقت و روشن شدن وضعیت و واقعیت کیفری است در جهت رفع مظنونیت و یا اثبات بی گناهی و یا شناسایی مجرم

در بازجویی ها نباید به دنبال این باشیم که یکی را مجرم کنیم به عبارتی بازجویی ها باید با بی طرفی باشد . ( بازجویی همان استنطاق است)

در قانون سال ۱۲۹۰ بازپرس با عنوان مستنطق ذکر شده است .

ماده ۱۲۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۲ درخصوص قوانین بازجویی می باشد .

بازجو در بازجویی سه مرحله را مدنظر قرار می دهد :



۱ - مرحله شناسایی سوال : بدانند در حال حاضر چه سوالی کند که به نتیجه برسد

۲ - مرحله تطبیق سوالات با حقایق موجود در خارج : مثلا اگر شاهدی وجود ندارد به دروغ نگویید وجود دارد یا اینکه فلانی اعتراف کرده تو هم اعتراف کن

۳ - مرحله سوم مرحله نتیجه گیری است .

سومین وظیفه مامورین و ضابطین حفظ آثار و دلایل جرم می باشد :

آثار و دلائل جرم مهمترین ادله اثباتی و دلایل و مدارک برای اثبات یک جرم می باشند .

لذا نیاز است مامورین دارای علم و آموزش خاص باشند .

ماده های ۱۵ و ۱۸ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ در این زمینه صراحت دارد .

ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. - ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند

ماده ۱۸ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم ، در جرائم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضایی اعلام می کنند و در خصوص جرائم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی ، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می رسانند .

تحقیقات محلی و معاینه محل:

ماده ۲۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (ق.آ.د.ک.) مصوب ۱۳۷۸ در این خصوص صراحت دارد .

ماده ۲۵ ق.آ.د.ک. - ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده اند به وی تسلیم نموده و دیگر حق مداخله ندارند ، مگر به دستور مقام قضایی و یا ماموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می شود .

معاینه محل چیست :

منظور از معاینه محل ، بررسی صحنه جرم و کشف و بررسی دلائل و قرائن و اسناد و حفظ صحنه جرم می باشد .

بازسازی صحنه جرم نیز قسمتی از معاینه محل می باشد .

کشیدن کروکی محل ، عکسبرداری از محل و انعکاس جزئیات محل جزء معاینه محل می باشد . نقشه کشیده شده باید طوری باشد که هر کس نقشه را ببیند بتواند خود را در محل تصور نماید .

مثلا جهت شکسته شدن شیشه ها و شکستن قفلها و به هم ریختگی ظروف و شکستگی آنها و ...

مقررراتی که باید در معاینه محل رعایت شوند :

۱ - از افراد متخصص استفاده شود مثل پزشک قانونی و پلیس قضایی

ماده ۸۳ ق.آ.د.ک. - ۱۳۷۸ - از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد از قبیل پزشک ، داروساز ، مهندس ، ارزیاب و دیگر صاحبان حرف ، چنانچه در جرائم مخل امنیت و یا خلاف نظم عمومی اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیابد و من به الکفایه هم نباشد ، به حکم قاضی جلب خواهد شد .

۲ - اشخاصی که در امور جزائی دخالت دارند می توانند در معاینه محل حاضر باشند ، مثلا متهم ، شاکی ، اما عدم حضورشان مانع از اجرای معاینه نمی باشد .

۳ - معاینه محل باید در روز باشد مگر زمانی که معاینه محل در شب فوریت داشته باشد ، آنها با تصمیم مقام قضایی

۴ - کلیه علائم و آثار مشهود در محل باید در صورتجلسه قید گردد .

مثلا از پزشک قانونی باید در محل باشد اگر پزشک قانونی نباشد باید پزشک معتمد باشد و اگر پزشک قانونی در آن موضوع تخصص ندارد باید پزشک متخصص موضوع نیز حضور داشته باشد .

ماده ۸۸ ق.آ.د.ک. - ۱۳۷۸ - برای معاینه اجساد و جراحتها و آثار و علائم ضرب و صدمه های جسمی و آسیب های روانی و سایر معاینه ها و آزمایش های پزشکی ، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد پزشک معتمد دیگری دعوت می شود .

ضابطین باید برای حفظ جسد و کشف هویت و چگونگی فوت اقدامات لازم را به عمل آورند .

در صورتی که هویت متوفی و مقتول معلوم نباشد باید آثار و علائم جسد و اثر انگشت او به طور دقیق توسط ضابطین گرفته شود .

\*\*\* تحقیقات محلی :

شبیبه معاینه محلی می باشد با تفاوت های ذیل :

۱ - در تحقیقا محلی مامورین به اطلاعات اهل یک محل برای کشف واقعیت کمک پیدا می کنند و به اشیاء و دلایل و مدارک موجود در صحنه جرم مراجعه نمی کنند .

۲ - در معاینه محل مامورین از اهل خبره و کارشناسان استفاده می کنند . اما در تحقیقات محلی ضرورتی ندارد .

\*\*\* جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم ( ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ )

مامورین باید آنقدر متخصص و متبهر باشند که اجازه فرار یا مخفی شدن را به متهم ندهند .

فرار دو حالت دارد :

۱ - گاهی فرار و اختفاء در محل ارتکاب می باشد و متهم در همان حوزه قضایی وجود دارد که مامورین با بازجویی از دوستان و آشنایان او را پیدا می کنند .

۲ - گاهی خارج از محدوده می باشد که باید سوابق ، مسافرتها و منازل خارج از حوزه قضایی را بررسی می کنند . ولی ضابطین این محل اجازه ورود به محل خارج از محدوده قضایی خود را ندارند .

لذا باید از نیابت قضایی استفاده کنند . یعنی مرجع قضایی وقوع جرم نیابت قضایی می دهد به مرجع مخفی شدن متهم و اگر متهم به خارج از کشور فرار کرده باشد از طریق پلیس اینترپول انجام می گیرد .

\*\*\* ابلاغ اوراق قضایی : ماده ۱۵ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی به این موضوع پرداخته است .

ابلاغ اوراق اعم از اختاریه ، جلب و ... می باشد به کلیه افرادی که در یک پرونده کیفری ممکن است دخالت داشته باشند ممکن است ارسال گردد.

اگر ابلاغ در موعد مرر انجام نشود تامین امنیت و برقراری عدالت تامین نمی شود .

دستگاه قضایی و ضابطین دو دستگاهی هستند که هیچ کدامشان بدون یگدیگر قادر به انجام کار نمی باشند .

بیشتر ضابطین قوه قضائیه بر عهده ضابطین می باشد .

ابلاغ عبارت است از رساندن اوراق قضایی از قبیل احضاریه ، ابرازنامه ، دادخواست ، احکام و قرارهای مرجع قضایی به مخاطبین و اشخاصی که باید از مفاد آن خبر دار شوند .

در صورتی که ابلاغیه به صورت صحیح و در زمان مقرر ابلاغ نگردد برای قوه قضائیه ایجاد مشکل می نماید .

ابلاغ به دو صورت ابلاغ واقعی و ابلاغ قانونی صورت می گیرد .

ابلاغ واقعی : رساندن اوراق قضایی به شخص مخاطب را گویند .

ضابط موظف است در ابلاغ ها چه واقعی و چه قانونی نسخه اول تحویل مخاطب و در نسخه دوم تاریخ را با حروف از فرد مخاطب امضا و اثر انگشت گرفته و به مرجع قضایی برگشت دهد .

ابلاغ قانونی : ابلاغ اوراق قضایی به شخصی غیر از مخاطب ممکن است ابلاغ به بستگان مخاطب تحویل گردد .

گاهی ممکن است مخاطب کارمند اداره باشد که به کارگزینی و یا به ریاست اداره داده خواهد شد که باید ۲۴ ساعت تحویل مخاطب گردد.

گاهی نیز در اثر نبودن فرد به درب منزل وی الصاق می شود و اگر فرد مدعی نرسیدن ابلاغ در موعد قانونی باشد باید بتواند آنرا اثبات نماید که در صورت اثبات مورد قبول مرجع قضایی است .

دستورات را ضابطین مکلف هستند در اسرع وقت انجام دهند .

اگر ضابط نتواند دستورات را سریعاً انجام دهد طبق قانون ضابطین موظف هستند که ظرف یک ماه گزارش اقدامات را به مرجع قضایی اعلام نمایند که مرجع قضایی آنرا تمدید نماید .

در صورت مشخص شدن زمان ، ضابطین موظف هستند طبق همان زمان اقدام نمایند .

\*\*\* با توجه به اهمیت اوراق قضایی مامورین باید خصوصیات ذیل را داشته باشند :

۱ - مامورین باید از دانش حقوقی برخوردار باشند .

۲ - بتوانند نقش نمایندگی مرجع قضایی را به خوبی انجام دهند .

۳ - بایستی امانت دار باشند .

\*\*\* احضارنامه یکی از اوراق با اهمیت می باشد .

احضارنامه نامه یک سری اوراق چاپی مشخص هستند که مشخصات لازم در آن چاپ شده است .

در احضارنامه باید نام، نام خانوادگی ، تاریخ ( تاریخ صدور معرفی فرد ) ، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید گردد .

ماده ۱۱۲ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - احضار متهم به وسیله احضارنامه به عمل می آید. احضار نامه در دو نسخه فرستاده می شود ، یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضاء کرده به مامور احضار رد می کند .

ماده ۱۱۳ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود .

تبصره - در جرائمی که مصلحت اقتضاء نماید ، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد .

\*\*\* حکم جلب ( دستور جلب ) یکی دیگر از اوراق مهم می باشد .

مفاد این دستور همان مفاد احضارنامه است با این تفاوت که نتیجه عدم حضور ندارد .

بعد از ابلاغ دستور جلب به متهم اگر متهم امتناع نماید ضابطین می توانند او را دستگیر و دستبند بزنند .

اگر برگ جلب صرفاً دستگیری متهم باشد مامورین اجازه ورود به منزل و مخفیگاه را ندارد . ، فقط باید مرجع قضایی در دستور جلب و یا دستورات بعدی اجازه ورود به منزل را بدهد .

در صورت ورود ، تخلف ورود به عنف انجام شده است .

در جرائم مشهود مامورین بدون دستور و اجازه قضایی نمیتوانند متهم را دستگیر نمایند و تا ۲۴ ساعت تحت نظر داشته باشند و سپس به مرجع قضایی معرفی نمایند .

در جرائم غیر مشهود مامورین اجازه هیچگونه اقدامی را بدون اجازه مرجع قضایی ندارند . من جمله جلب متهم مگر با هماهنگی و دستور مقام قضایی .

دستور جلب سیار : اگر به متهم دسترسی نداشته و یا متهم غایب باشد ، مرجع قضایی دستور جلب را صادر کرده و در اختیار ضابطین قرار گرفته که ضابطین هرکجا متهم را روئیت نمودند وی را دستگیر نمایند .

دستور جلب سیار در اختیار شاکی قرار می گیرد که هر کجا شاکی متهم را مشاهده نمود با همکاری ضابطین و مامورین قضایی متهم را دستگیر نماید.

قاضی نمیتواند برای شهر و استان دیگری رای صادر نماید این اقدام نیاز به نیابت قضایی دارد .

در اجرای برگ جلب ابتدا متهم دعوت و سپس جلب می گردد و در صورت امتناع از قوه قهریه استفاده می شود .

متهم باید در روز دستگیر شود مگر اینکه مرجع قضایی اجازه دستگیری در شب را داده باشد .

از زمان دستگیری فرد تا زمان تحویل به مرجع قضایی فرد تحت نظر می باشد و فرد بازداشت نیست .

مگر در جرائم مشهود و یا اینکه ترس از فرار باشد ، باید در اتاق رئیس کلانتری و نظیر آن نگهداری شود .

ضابطین باید فرد را سریعاً به مرجع قضایی تحویل دهند مگر اینکه بیم فرار یا از بین بردن ادله جرم باشد میتواند برای چند ساعت وی را بازداشت نمایند .

اگر فرد متهم بیمار باشد و نتواند در مرجع قضایی حضور یابد ضابطین باید گزارش نمایند که فرد به دلیل بیماری نمی تواند در

مرجع قضایی حضور یابد در این صورت مرجع قضایی به فرد بیمار ( متهم ) مراجعه نموده و تحقیقات را تکمیل می نماید .

بازداشت متهم در جرائم مشهود :

ماده ۱۸ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم ، در جرائم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضایی اعلام می کنند و در خصوص جرائم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی ، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می رسانند .

ماده ۲۴ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می رسانند ، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می تواند تکمیل آن را بخواهد ، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند ، لیکن نمی توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه

در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا<sup>۱</sup> به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تکلیف می نماید. همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هرچند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

طبق ماده ۱۸ و ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مامورین در دوصورت می توانند فرد را بازداشت نمایند:

الف: برای جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او و تبانی با دیگران و امحاء آثار جرم لازم باشد.

ب: برای تکمیل تحقیقات بیشتر بازداشت متهم ضروری باشد.

\*مدت بازداشت حداکثر ۲۴ ساعت می باشد.

نکات مهم در بازداشت جهت ضابطین:

۱ - ضابطین باید بدانند بازداشت متهم در جرائم مشهود برای تحقیقات ضروری حداکثر ۲۴ ساعت تشخیص داده است. و این هم صورتی است که هنوز نتیجه تحقیقات به نظر مرجع قضایی نرسیده باشد و در صورت رسیدن به نظر وی باید ادامه اقدامات با نظر مقام قضایی صورت گیرد.

۲ - اگر ضابطین برای تکمیل تحقیقات بازداشت متهم را ضروری دانستند باید بلافاصله موضوع اتهام را با ذکر دلایل به صورت کتبی به متهم اعلام نمایند.

۳ - مامورین نباید تصور نمایند که حتما این حق را دارند که متهم را در جرائم مشهود تا ۲۴ ساعت بازداشت کنند، بلکه نگهداری متهم ولو برای یک ساعت باید بر اساس شرایط و ضرورت های ذکر شده باشد.

بازداشت در جرائم غیر مشهود:

یعنی مدت زمان طولانی از وقوع جرم گذشته است و مامورین حاضر می شوند و دیگر شرایط ماده ۲۱ وجود ندارد.

ماده ۲۱ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸ - جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود:

۱ - جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مامورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

۲ - در صورتیکه دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.

۳ - بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضح یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.

۴ - در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.

۵ - در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مامورین را به خانه خود تقاضا نماید.

۶ - وقتی که متهم ولگرد باشد.

در این حالت مامورین اجازه ورود به منزل را ندارند و باید مرجع قضایی را مطلع نمایند. در این صورت اگر دلایل و مدارک مامورین کافی نباشد مامورین اجازه دارند به صورت غیر محسوس به جمع اوری دلایل بپردازند و به نظر مرجع قضایی برسانند و سپس دستور قضایی بیاورند.

اگر مامورین فردی را در جرائم غیر مشهود دستگیر نمایند، اجازه نگهداری در کلانتری را ندارند و باید سریعاً به مرجع قضایی انتقال دهند و وی را تفهیم اتهام نمایند.

مصونیت از جلب :

در خصوص جلب اشخاص گاهی یک سری از افراد دارای مصونیت از جلب - بازداشت و دستگیری هستند.

این مصونیتها به سه شکل هستند ۱- مصونیت سیاسی ۲- مصونیت قضایی ۳- مصونیت پارلمانی و نمایندگی

مصونیت : وضعیتی است که دارنده آن از جهت تعقیب، احضار و جلب و بازداشت شدن مضاای ویژه ای دارد. این مصونیت را فقط قانون معین می نماید. بنابراین اگر قانون گذار برای اشخاص مصونیت واقع شد فقط شامل آنها می باشد.

۱ - مصونیت سیاسی : نمایندگان سیاسی یک کشور در کشور محل ماموریت خود مرتکب جرم شوند از تعقیب کیفری مصون می باشند. باید در موردشان گزارش تهیه و گزارش تحقیقات به قوه قضائیه و سپس وزارت امور خارجه و سپس به کشور مطبوع و آنگاه به مامور مربوطه ابلاغ گردد.

افراد مصون سیاسی : شامل بستگان مامور سیاسی - کادر اداری و فنی مامورین سفارتخانه ها و خانواده های آنها - خدمه مامورین در سفارتخانه ها می باشند

۲ - مصونیت قضایی : مناسب قضایی ( قضات ) قضات با توجه به جایگاه و منصبی که دارند مصون از تعقیب و بازداشت و دستگیری هستند و شرط تحت تعقیب قرار دادن قضات این است که ابتدا توسط دادسرای انتظامی قضات موضوع بررسی و توسط آن مرجع از شغل خود معلق و عنوان قاضی از آنها گرفته می شود و در این صورت مانند افراد عادی جامعه به اتهام آنها رسیدگی می شود.

با این تفاوت که رسیدگی به جرائم قضات در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران و در رابطه با روحانیون در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت می باشد.

۳ - مصونیت پارلمانی و نمایندگی : طبق اصل ۸۶ قانون اساسی نمایندگان مجلس در اجرای وظایف نمایندگی خودشان آزاد هستند و هرگونه اظهار نظری را نمایند و به سبب اظهار نظر هایی که می کنند نمیشود آنها را تحت تعقیب قرار داد . مصونیت نمایندگان فقط شامل اعمال نظر و اعمال رای آنهاست و سایر اعمال آنها را شامل نمی باشد . مثلاً اگر نماینده مجلس فرد یا نماینده دیگری را کتک بزند .

دوم اظهار نظر نباید از حدود ایفای وظیفه و نمایندگی او خارج باشد . اگر اظهار نظری نماید که برای او جرمی را به همراه داشته باشد . مثلاً اهانت به مقدسات اسلامی

اصل ۸۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران : نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد.

جرم به دو دسته تقسیم می شوند : الف جرم مشهود ب: جرم غیر مشهود

\*\*\* جرم مشهود طبق ماده ۲۱ ق.ا.د.ک-۱۳۷۸ این گونه تعریف می گردد :

ماده ۲۱ ق.ا.د.ک-۱۳۷۸ - جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود:

۱ - جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مامورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

۲ - در صورتیکه دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.

۳ - بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.

۴ - در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.

۵ - در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مامورین را به خانه خود تقاضا نماید.

۶ - وقتی که متهم ولگرد باشد.

در جرائم مشهود ضابطین نماینده دستگاه قضایی محسوب می شوند و در واقع جانشین قاضی محسوب می گردند .

\*ولگرد یعنی نه محل اقامت مشخص و نه راه معیشت مشخص داشته باشد .

\* در جرائم مشهود کشف جرم وجود ندارد زیرا مامور بلافاصله بر سر جرم حاضر می گردد .

\*\* در جرائم غیر مشهود نیاز به تکرار نی ست .

اعلام جرم و شکایت شاکی خصوصی



تفاوت مورد فوق به شرح ذیل است :

- ۱- در اعلام جرم اعلام کننده شخصا متضرر از جرم نیست اما شاکی خصوصی از وقوع جرم متضرر گردیده است .
  - ۲- در اعلام جرم به شرط اینکه قرائن و دلائل قوی باشد تحقیق و دادرسی شروع می شود . اما صرف شکایت شاکی خصوصی برای رسیدگی کافی است
  - ۳- هر جرمی را از طریق شاکی خصوصی می توان تحت تعقیب قرار داد حتی جرائم قابل گذشت .  
به عبارتی جرائم قابل گذشت را فقط می توان از طریق شاکی خصوصی تحت تعقیب قرار داد و این جرائم با اعلام جرم قابل تعقیب نیستند .
  - ۴- در شکایت نتیجه اقدامات در قالب قرار یا رای به شاکی ابلاغ می شود اما در اعلام جرم نتیجه اقدامات به اعلام کننده ابلاغ نمی گردد .
  - ۵- شاکی خصوصی حق اعتراض به تمامی احکام و قرارها را دارد اما اعلام کننده جرم از این حق محروم است .
  - ۶- در شکوائیه باید مشخصات کامل شاکی قید شود اما در اعلام جرم مشخصات اعلام کننده قید نمی گردد .
- \*\*\* نکاتی که ضابطین باید در تحقیقات مقدماتی مورد توجه قرار دهند :

- ۱- چنانچه اعلام وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاع ضابطین از منابع موثق نباشد قبل از اعلام به مرجع قضایی باید تحقیقات لازم را بدون حق دستگیری و یا ورود به منزل انجام داده و نتیجه را به مرجع قضایی اعلام کنند .
- ۲- در صورتی که مقام قضایی اقدامات انجام شده را کافی ندانست تکمیل آنرا از ضابطین می خواهد و ضابطین در این مورد موظف به انجام دستورات هستند .
- ۳- ضابطین باید بدانند آثار و آلات و مدارک جرم باید بدون تغییر و دخل و تصرف باقی بماند .

**\*صورت مجلس سندی است که توسط ضابطین برای حفظ آثار و مدارک و دلائل جرم و توضیح شرایط و اوضاع و احوال قضیه و آثار باقی مانده از جرم تنظیم می شود .**

**\* نکات مورد نیاز در صورت مجلس :**

- ۱- مشخصات گزارش دهنده یا مقام صادر کننده دستور به همراه ساعت و تاریخ دقیق گزارش یا دستور
- ۲- زمان حرکت و حضور در محل با قید ساعت و دقیقه
- ۳- اسامی همراهان
- ۴- زمان دقیق و در صورت عدم امکان زمان تقریبی وقوع جرم

- ۵ - ذکر نشانی محل مورد معاینه و توصیف موقعیت جغرافیایی و تشریح جزئیات محل و اماکن مجاور آن
- ۶ - ذکر علت بازرسی و معاینه محل
- ۷ - ذکر مجوز قضایی با قید شماره و تاریخ و مشخصات مقام دهنده
- ۸ - درج مشخصات حاضرین در محل اعم از طرفین دعوا ، شهود ، کارشناسان مربوطه ، مقامات قضایی و مامورین و ...
- ۹ - ذکر مشخصات آلات و اوراق و مدارک جرم
- ۱۰ - مامورین باید اقدام لازم در مورد حفظ دلایلی که نتوان از محل جدا نمود در صورت مجلس قید نمایند .
- ۱۲ - ضابطین هنگام حضور در محل اتفاق جرم باید شاهدان خود ، اظهارات شاکی و شهود و افرادی که به نحوی در قضیه دخالت دارند را قید کنند .
- ۱۳ - در صورت مجلس از ذکر عبارات کلی خودداری شود و باید جریات به طور شفاف و دقیق قید گردد .
- ۱۴ - بعد از تنظیم صورت مجلس باید به امضاء طرفین دعوا و شهود و دیگر افراد مرتبط برسد .
- بازرسی منازل :
- اصل ۲۲ قانون اساسی : حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
- اما این مصونیت دارای استثناء می باشد ، اگر جهت کشف جرم و یا آثار و ادوات جرم لازم باشد وارد منزل شویم ، ضابطین با اجازه مرجع قضایی می توانند وارد منزل شوند.
- قانون گذار در ماده ۹۶ الی ۱۰۵ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - شرایطی را برای بازرسی از منزل ، اماکن و اشیاء ذکر کرده که به شرح ذیل می باشد :
- ماده ۹۶ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - تفتیش و بازرسی منازل ، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می آید که حسب دلایل ، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم ، در آن محل وجود داشته باشد.
- ماده ۹۷ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید ، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد.
- ماده ۹۸ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهودتحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می شود.
- تبصره - هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد ، قاضی می تواند با قید مراتب در صورتجلسه ، دستور بازکردن محل را بدهد.

ماده ۹۹ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی.

ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می آید و هنگام شب در صورتی انجام می گیرد که ضرورت اقتضاء کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورتمجلس قید نماید.

ماده ۱۰۱ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - در صورت لزوم قاضی می تواند ورود و خروج به محل بازرسی را ممنوع نماید و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی استفاده کند.

ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - در صورتی که متصرفین قانونی اماکن یا متصدیان آنها دستور قاضی را در باز کردن محلها و اشیای بسته اجرا ننمایند، قاضی می تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می شود احتراز نماید.

ماده ۱۰۳ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - از اوراق و نوشته ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته و اشیاء متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد نشود.

ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذیربط اطلاع می دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورتمجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می نماید. استنکاف متهم از امضاء در صورتمجلس قید می شود و چنانچه اشیاء مزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می شود.

تبصره - کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است.

ماده ۱۰۵ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - مقامات و مامورین وزارتخانه ها، سازمان ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادها و شهرداری ها و ماموران به خدمات عمومی و بانکها و دفاتر اسناد رسمی و دستگاه هایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب و دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری که مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزایی لازم است به درخواست مرجع قضایی رسیدگی کننده ابراز نموده و در دسترس آنها بگذارند. مگر در مورد اسناد سری دولتی که در این صورت باید با اجازه رئیس قوه قضائیه باشد، متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال خواهد شد.

تفتیش و بازرسی خودرو :

ماده ۲۴ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا " به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ

تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تکلیف می نماید. همچنین تفتیش منازل ، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

ضابطین وظیفه دارند هر نوع وسیله در جرم چه در جرائم مشهود و غیر مشهود را ضبط و در صورت مجلس ذکر نمایند ماده ۱۰۶ تا ۱۱۱ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - به این موضوع دلالت دارد .

ماده ۱۰۶ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸ -- هرگاه متهم نوشته های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استنکاف از ارائه آنها ، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸ - آلات وادوات جرم از قبیل حربه ، اسلحه ، اسناد ساختگی ، سکه تقلبی و کلیه اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و می تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید ضبط شده و در صورت مجلس ، هر یک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شود.

ماده ۱۰۸ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸ - آلات وادوات جرم را باید شماره گذاری و مهور و حفظ نمود و آنچه را که قاضی تحصیل می کند باید با ذکر مشخصات به صاحبش رسید بدهد.

ماده ۱۰۹ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸ - هرگاه دلایل جرم چیزی باشد که نتوان از محل جدا و خارج نمود( مثل خونی که ریخته ) ، در این صورت قاضی باید نسبت به حفظ دلایل یاد شده اقدام نماید و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم کرده حفاظت آن را به نیروی انتظامی یا مستحفظ مخصوص بسپارد

ماده ۱۱۰ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸ - از مایعاتی که قابل تجزیه است باید به قدر لزوم تحصیل و در ظرفی ریخته مهر موم شود به طوریکه ضایع یا تفریط نگردد ، از مایعات باید حداقل سه ظرف به عنوان نمونه برداشته شود

ماده ۱۱۱ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸ - اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده ، باید به دستور قاضی ، به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آنها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی است.

نکات مهم در بازرسی از منازل :

- ۱ - بازرسی از اماکن و منازل چه در جرائم غیر مشهود حتما باید با اجازه مقام قضایی باشد
- ۲ - تفتیش و بازرسی منازل ، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می آید که حسب دلایل ، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم ، در آن محل وجود داشته باشد. (ماده ۹۶ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ )
- ۳ - چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید ، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد. (ماده ۹۷ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ )

۴ - تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهودتحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می شود. (ماده ۹۸ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸)

تبصره - هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد ، قاضی می تواند با قید مراتب در صورتجلسه ، دستور بازکردن محل را بدهد.

۵ - تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می آید و هنگام شب در صورتی انجام می گیرد که ضرورت اقتضاء کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورتمجلس قید نماید. (ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸)

صلاحیت :

مراجع قضایی عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم را دارند .

مراجع قضایی اختصاصی : صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند مگر آنکه قانون قانون معین نموده باشد .

مراجع قضایی اختصاصی مانند : دادگاه ویژه روحانیت - دادگاه انقلاب

صلاحیت عبارت است از شایستگی اختیار و تکلیفی که به موجب قانون برای مراجع قانونی پیش بینی شده است .

ایراد صلاحیت در هر مرحله از رسیدگی قابل استثناء است و مرجع کیفری به محض اطلاع از عدم صلاحیت خود باید قرار عدم صلاحیت کیفری صادر نماید .

قوانین مربوط به صلاحیت کیفری عطف به ما سبق می شود .

جهت مطالعه :

عطف

در لغت بمعنی برگشت است و چون طرفین حرف عطف هم در معنی همین خاصیت را دارند کلمه حرف عطف و معطوف و معطوف علیه در آن مورد بکار می رود. در اصطلاح ذیل بکار رفته است:

Retroactivite des lois عطف قانون به ماسبق

یعنی حکومت قانون نسبت به وقایع قبل از تاریخ وضع و نشر آن. و چون این کار خلاف مصالح عموم است اصل بر عدم جواز عطف قانون به گذشته است مگر در موارد استثنائی.

اقسام صلاحیت کیفری :

بر حسب اثر ، نوع ، محل بزه ، موقعیت شغلی بزه کار ، اهمیت بزه ارتكابی و موقعیت اجتماعی بزه کار بر سه نوع تقسیم می شود :

۱ - صلاحیت ذاتی

۲ - صلاحیت محلی

۳ - صلاحیت نسبی

۴\* - صلاحیت اضافی

۱ - صلاحیت ذاتی : هر مرجع قضایی ذاتاً بر اساس نوع و یا اهمیت جرم و مجازات طبق قانون صلاحیت رسیدگی به جرائم خاصی را دارد .

اصل ۱۷۲ قانون اساسی : برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود. دادستانی و دادگاه های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل ۱۷۳ قانون اساسی : به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

ماده ۵۵ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - هر کس متهم به ارتكاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد محاکمه می شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد. در صورتی که اتهامات از حیث کیفر مساوی باشد. متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب و نظامی و عمومی محاکمه می شود.

۲ - صلاحیت محلی : ماده ۵۴ ق.آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده که بر اساس حوزه دادرسی هر دادگاه مشخص می شود . در پرونده های کیفری اصل بر این است که مرجع قضایی صالح به رسیدگی است که جرم در آن به وقوع پیوسته است . به عبارتی محل وقوع جرم در آن محل باشد .

ماده ۵۴ ق.آ.د.ک - ۱۳۷۸ - متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف بشود در دادگاهی رسیدگی خواهد شد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده و چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات در یک درجه باشد دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شده رسیدگی می نماید و در صورتی که جرائم متهم در حوزه های قضائی مختلف واقع شده باشد و متهم دستگیر نشده ، دادگاهی که ابتدائاً شروع به تعقیب موضوع نموده ، صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم مذکور را دارد.

۳ - صلاحیت نسبی : بر اساس نوع و میزان مجازات محاسبه می گردد .

\*۴- صلاحیت اضافی: در واقع جایی که دادگاه برای رسیدگی به بعضی از جرائم که در ارتباط با یکدیگر باشند اگر صالح به رسیدگی هم نباشد وارد می شود و محاکمه می نماید.

\*\* این صلاحیت صراحتاً در قانون نیامده است.

۱- یک متهم در این نوع صلاحیت مرتکب چند جرم شده باشد. در این جرائم یک مرجع وارد می شود طبق ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک-۱۳۷۸-

ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک- ۱۳۷۸- هرگاه پس از صدور حکم، معلوم گردد محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری بوده که شمول مقررات تعدد جرم می باشند و در میزان مجازات قابل اجراء موثر است بشرح زیر اقدام می گردد-

الف- هرگاه احکام صادره از دادگاههای بدوی به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشد پرونده به آخرین شعبه دادگاه بدوی صادر کننده حکم ارسال تا پس از نقض کلیه احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم حکم واحد صادر نماید.

ب- در صورتی که حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد پرونده ها به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال تا پس از نقض کلیه احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم حکم واحد صادر نماید.

ج- در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفته باشد، پرونده ها اعم از اینکه در دادگاه بدوی یا تجدیدنظر باشد به دیوان عالی کشور ارسال می گردد تا احکام را نقض و جهت صدور حکم واحد به دادگاه بدوی صادر کننده آخرین حکم ارجاع کند.

۲- مورد دیگر اینکه چند متهم متعدد که مرتکب یک جرم شده باشند که هم صرف وقت و هم هزینه است و هم رای به عدالت نزدیک تر است. برای مثال ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی قسمت تعزیرات مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص می باشد.

ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده- هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۷۶/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی رامستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است و بعنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء به حبس از ششماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود. تبصره - در صورتیکه رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آنرا گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می گردد.

طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی در مورد رسیدگی به جرائم نیروهای ارتش و سپاه و ... در صلاحیت دادگاه نظامی است. مگر جرائم عمومی و جرائمی که نیروهای مسلح و ضابطین در مقام ضابط مرتکب می شوند در صلاحیت دادگاه عمومی است.

اصل ۱۷۲ قانون اساسی

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری

مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

پس در مورد جرائم ضابطین دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به جرائم ضابطین را دارند که در راستای اجرای حکم مقام قضایی مرتکب جرم شده اند .

Siraf.blog.ir